

سرمقاله

افزایش گراف ها و لزوم بازیابی در رویکردها

محمد رضا هویدا

افزایش تلفات غیر نظامیان در سال گذشته میلادی یک حقیقت تلخ برای مردم افغانستان است. چنین افزایش هایی در چند سال اخیر در بخش های زیادی دیده شده است. افزایش آمار اعتیاد در میان جوانان، افزایش شمار تجاوزهای جنسی بر زنان و دختران، افزایش میزان کشتن کوکنار در سال گذشته، قسمت هایی از افزایش گراف هایی هستند که در افغانستان در حال زیاد شدن می باشند. در اواخر سال گذشته میلادی بود که اعلام شد که هفده درصد در میزان کشت کوکنار در کشور نسبت به سال گذشته آن زدپاد دیده می شود.

وزارت داخله در همان زمان گفته بود که ۳۰ تا ۴۰ درصد جنگ افغانستان جنگ تریاک است و مبارزه با این پدیده اراده جدی سیاسی می خواهد. در ماه قوس همین سال مسئولین حقوق بشری در شمال افغانستان از افزایش شمار تجاوزهای جنسی در شمال کشور ابراز نگرانی کردند. افزایش در همه مشکلات و افزایش در تلفات انسان ها، مردم عادی افغانستان را هدف قرار داده است. بیشترین قربانیان جنگ ها مردم عادی افغانستان هستند، بیشترین قربانیان تجاوزها، خشونت ها، فساد اداری و ... همه مردم عادی افغانستان هستند. همه این قربانیان به دولت به عنوان حافظ و پاسدار ارزشها، جان و مال و ناموس مردم، می نگرند و انتظار دارند تا دولت به داد آنها برسد و حق تلف شده آنها را از جانیان و ظالمان بگیرد. دولت افغانستان اما نتوانسته آن گونه که باید، عمل کند. پیش از این، یکی از دلایل افزایش کشتن کوکنار مصروف بودن نیروهای پولیس و امنیتی به مسئله انتخابات خوانده شده بود. این توجیه، آسیب پذیری کشور را به خاطر سیاسی شدن مسایل مهم به خوبی نشان می دهد. نزدیک به دو سال است که همه امور مهم در افغانستان به حالت تعویق در آمده است. ماه ها است که وزارت خانه ها و ولایت ها و ادارات مهم کشور توسط سرپرستان اداره می شوند. دولت چنان سرگرم حل و فصل امور سیاسی کشور است که وقتی برای دولت مردان برای رسیدگی به امور زندگی مردم باقی نمی ماند. شاید اگر کارها به اندازه خود وزارت خانه های برای دولت مردان مهم بود، اکنون وضعیت متفاوت تری را شاهد بودیم. اگر خود زراعت به اندازه وزارت زراعت برای دولت مردان مهم بود و اگر زارعان به اندازه مسئولین وزارت زراعت برای دولت مردان مهم بودند، و همین گونه دیگر وزارت خانه، وضعیت متفاوت در کشور وجود داشت.

حفاظت از جان مردم نیز در حقیقت وظیفه دولت افغانستان است. درست است که دولت در حال جنگ، با تروریست ها قرار دارد و تامین امنیت به صورت کامل از عهده دولت بر نمی آید، ولی دولت باید از تمام ابزارهایی که در دست دارد برای تامین امنیت استفاده کند. بدین جهت تمامی برنامه هایی که به امنیت مردم مربوط می شوند باید جدا کنترل شوند و در صورتی که به هر دلیلی برای امنیت کشور مفید نباشند باید مورد تجدید نظر قرار گیرند. رهایی زنان از زندان ها، عزل و نصب ها در بخش های نظامی و ملکی خصوصا در ولایات، تخصیص بودجه برای بخش ها و ولایت ها، برخورد با کسانی که با استفاده از مقام و موقعیت خود سوء استفاده می نمایند، برخورد با مسئله نفوذ گروه های تروریستی در صفوف نیروهای امنیتی، مسایلی هستند که باید مورد بازیابی قرار گیرند.

آنچه دولت افغانستان می تواند برای به حد اقل رسانیدن تلفات غیر نظامیان در کشور انجام دهد، به موارد و مسایل مختلفی بر می گردد. دولت باید به هر آنچه که برای حفاظت غیر نظامیان به کار می آید توجه نماید. از اصلاح تدابیر و قوانین گرفته تا جدیت در برخورد با زندانیان و توجه به امور امنیتی و قضایی. سازمان ملل و کشورهای جهان نیز باید با گروه هایی که در مقابل دولت افغانستان می جنگند و قوانین جنگ را مراعات نمی کنند، رفتار متناسب داشته باشند. این گروه باید بدانند که حفظ و حرمت جان انسان ها از ارزش هایی هستند که تابع هیچ نوع شرایطی نمی شود نادیده گرفت. دولت نیز موضع خود را در مقابل گروه هایی که به غیر نظامیان احترامی قابل نیستند، به تناسب آن اتخاذ نماید.

بر اساس گزارش های نشر شده طی روزهای اخیر میزان انواع خشونت بر زنان بگونه نگران کننده و به شدت افزایش یافته است. این خشونت ها هم در نوع خود تکان دهنده است و هم در میزان تکرار آن. هم چنین وسعت این خشونت نیز تکان دهنده است، بگونه ای که هم از ولایت شمالی و هم از مناطق جنوبی و نیز از سمت غرب و شرق کشور و نیز ولایات مرکزی و کابل گزارش های متواتر و تکان دهنده انواع خشونت بر زنان نشر می گردد. افزایش تکان دهنده خشونت بر زنان سبب گردید که تلاش های گوناگونی از سوی نهادهای حقوق بشری و حقوق زنان و نهادهای مدنی در قالب برگزاری نشست های خبری و علمی و اعتراضی در مرکز و ولایات برگزار گردد تا چگونگی قضیه بصورت دقیق تر مورد ارزیابی قرار گیرد. چنانچه بعنوان مثال وضعیت وخیم زنان و اعمال خشونت بر آنان موجب نگرانی فعالین حقوق زن در ولایت بلخ گردید. این فعالین طی برگزاری نشست می در این رابطه اعلام داشتند که خشونت علیه زنان و اطفال در شمال جاری در سطح کشور بخصوص ولایت بلخ به شدت افزایش یافته است. یکی از مسئولین شبکه زنان افغان در ولایت بلخ ضمن بیان افزایش گسترده خشونت علیه زنان و اطفال در شمال جاری در کشور، در آن رابطه به شدت ابراز نگرانی نموده گفت بیشتر قضایا را تجاوز جنسی، خودکشی، خود سوزی و تجاوز ناموسی در بر می گیرد. در این نشست یکی از مسئولین فعال در عرصه حقوق زنان گفت که در سال جاری افزایش واقعات تجاوز بالای اطفال را در جریان سال جاری نگران کننده بوده و می گوید در این سال ۱۲ مورد تجاوز بالای اطفال در شمال کشور روی داده است. در ادامه این نشست مسئول حمایت از زنان در کمیسیون حقوق بشر زون شمال از افزایش ۶۰ درصدی خشونت علیه زنان در ۴ ولایت شمال خبر داده می گوید در جریان سال جاری خورشیدی تا کنون بیش از ۸۷۰ مورد خشونت علیه زنان در ولایات مذکور به ثبت رسیده که تنها ۲۶۲ مورد آن مربوط ولایات بلخ می شود. وی

فقر، نبود امنیت، نبود مصنویت وعدم تطبیق قانون را از عوامل افزایش خشونت ها می داند. این گزارش فقط چپیده ای از گزارش های نشر شده در ارتباط با افزایش نگران کننده خشونت بر زنان در کشور می باشد. حال پرسش این است که براسستی چرا روند خشونت در جامعه و بخصوص در ارتباط با زنان با وجود قانون و دستگاه های قضایی و عدلی و نهادهای امنیتی و... روند معکوس را داشته است؟ و... در این رابطه در سطوح مختلف دیدگاه های گوناگونی وجود دارد. هر یک از این دیدگاه ها از زوایای خاص به قضیه تکررسته و تحلیل خود را ارائه میدارد. اما در نهایت همه این دیدگاه ها بر علل و زمینه مساعد خشونت بطور کلی در سطح جامعه و بر زنان بطور خاص توافق دارند. یکی از دیدگاه های مطرح شده در زمینه این است که با در نظر داشت وجود پدیده افراطی گری مذهبی در منطقه از حدود ۴۰ سال پیش تا کنون، شاهد تغییراتی هستیم که منجر به از بین رفتن حقوق عمومی و بخصوص حقوق زنان شده است، این پدیده ابتدا در افغانستان با حضور طالبان آشکار گردید و پس از آن با پدیده الشباب در آفریقا و القاعده در کشورهای خاورمیانه گسترش یافت. بناب بر این پوشیده نیست که آثار منفی که سیطره تفکر طالبانی در تقویت و گسترش خشونت برجای گذاشت، خصوصا در ارتباط با زنان و کودکان قضیه بعد وسیع تری به خود گرفت. بنابراین وجود تفکر خشونت گرا در قالب باورهای ظاهرا مذهبی که توسط گروه های افراطی دامن زده می شود یکی از عوامل و زمینه های ذهنی خشونت در جامعه و در ارتباط با زنان بطور خاص می باشد. در ادامه طرح دیدگاه ها نگاهی دیگر نیز وجود دارد مبنی بر این که در طی سیزده سال گذشته تغییراتی هر چند سطحی و کم رنگ در حمایت از زنان صورت گرفته است، اما این حمایت ها و فعالیت ها سبب پیدایش نوعی آگاهی و هوشیاری زنان در جامعه نسبت به حقوق شان گردیده است. هر چند این آگاهی و هوشیاری شاید

ریشه های خشونت بر زنان باید خشکانده شوند

عبدالله هروی



معیارهای غیرعادلانه هرگز قادر نگردیده است که خواست و حقوق شهروندان و زنان را برآورده سازد. چنانچه در گزارش ها داکتیم به زنی به دلیل لت و کوب از سوی یک ملا به بهانه بیرون نمودن جن از وجودش، خودش و چنین که در رحم او قرار داشت از بین برود. عرض اندام دادگاه های محلی وصحرایی نماد روشنی از عدم حاکمیت قانون و ناتوانی دستگاه های عدلی و قضایی می باشد. بنابراین پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان که در این روزها به شدت افزایش یافته است یک عزم و اراده جدی و ملی را می طلبد که هم در زمینه آگاهی دهی و رشد فرهنگی تلاش صورت گیرد و هم در عرصه حاکمیت قانون و اجرای درست آن بخصوص از سوی دستگاه های عدلی و قضایی کوشش شود، هم زمینه رشد اجتماعی و اقتصادی بمان موفقه های تحقق یک جامعه سالم تقویت گردد. در غیر این صورت با اظهار تأسف و نگرانی نشست های تبلیغاتی و نمایشی نه تنها قضیه حل نخواهد شد بلکه تبعات منفی نیز در بر خواهد داشت.

شده است و از آن به عنوان ابزاری برای تهدید، تحقیر و ارباب از سوی گروه مسلط یعنی مردان سنتی جامعه استفاده می شود. دیدگاهی دیگر که در ارتباط با موضوع مطرح می باشد این است مشکل قضیه را به نبود حاکمیت قانون و ناتوانی دستگاه های عدلی و قضایی و عدم دسترسی شهروندان و بخصوص زنان به نهادهای رسیدگی به حقوق شان معطوف می دانند. چنانچه وضعیت دادگاه های عدلی و قضایی کشور مورد ارزیابی قرار گیرد این موضوع بیش از پیش مسجل خواهد شد. عدم حاکمیت قانون سبب گردیده است که فساد در ادارات و نهادهای نظارت کننده و مجری قانون و دستگاه های امنیتی بی نهایت اوج گیرد. سیطره حکومت از مناطق دور دست و حتا پایتخت کاهش یابد. چنین وضعیتی سبب می گردد که رسم و رسوم محلی و سنتی جایگزین قانون گردد و بجای محاکم رسمی قضایی اجتماعی را حل و فصل نموده و به اصطلاح به دادخواهی مردم بپردازد. حال این مجاری به دلیل سنتی بودن و آلوده بودن به

زیاد گسترده نباشد اما در تغییرات جامعه محسوس بوده است. نمی توان انکار کرد که در سال های اخیر اقدامات خوبی انجام شده و در زمینه حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان دستاوردهای خوبی داشته ایم، در قانون اساسی ما حقوق مساوی برای زن و مرد قائل شده است، در قانون منع خشونت علیه زنان آمده و برای اولین بار وزارت امور زنان تاسیس شده است. چنین تغییراتی در جامعه سنتی افغانستان با آن نگاه های ویژه و باورهای بسته موجب واکنش های گردید که این واکنش ها یک نوع و همگون نبوده است. برخی واکنش ها بر بنیاد گفتار و تحلیل و ارزیابی و نقد بوده است ما برخی از واکنش ها منفی و خشونت بار بوده است. که واکنش افسرد عادی جامعه که نتوانی و تحلیل و خشونت بار بوده است که متأسفانه از سوی برخی نهاد ها و باورهای سنتی جامعه نیز تقویت می شده است. بنابراین واکنش های خشونت بار جامعه با پشتوانه باورهای سنتی سبب گردید که خشونت علیه زنان، سیستماتیک و برنامه ریزی

پیشینه جمهوری خواهی در افغانستان

محمد رضا رها

حرکت انجمن سراج الاخبار با موافقی که استعمار انگلیس ایجاد کرده بود،مدت کمی متوقف شد.اما بعد از دو سه سال به صورت یک حزبمتشکل و دارای مرام نامهای مترقیتری به وجود آمد،که آن را در تاریخفکری افغانستان(مشروطیت اول)گوینم. ۸. همه اینها مشروطه،فصل تازهی در تاریخ افغانستان گشود ای فصولا میتوان آغاز دوره انقلاب دموکراتیک و جمهوری خواهی در افغانستاناعلام نمود. ۱-۳. رابطه مشروطیت و جمهوریت مشروطیت جنبشی بود که آرمانهای خود را از اروپا وام میگرفت.از جمله در انگلستان تصور تازهای از سرشت نظام سیاسی پدید آمده بود کهحکومت را حفظ مصالح عمومی میدانست.کلمه Republic یا جمهوریم در اصل ناظر به حفظ صلحت عمومی بود.فلسوفان سیاسی در اروپا با توجه به مفهوم صلحت عمومی،قدرت پادشاه را محدود به قانونمیشوآستند که این هدف را برآورده کند.در نتیجه سلطنت از شکل مطلقهان درمیآید، و در ماهیت خود به جمهوری بدل میشد. و آنچه که در مشروطه می ما هم صورت گرفت،در واقع این بود کهقدرت پادشاه محدود کنند به قانون،مشروطت کنند به قانونی که ناشی از مردم بود و مصالح عالی ملی و مصالح جمهوری مردم را رعایت میکرد.و در زبانهای اروپایی عموما مبارزه برای مشروطه به عنوان انقلاب قانون اساسیتوصیف میشود،مشروطه خواهان بر این امر تأکید داشتند که در حکومتپادشاهی برابری وجود ندارد. جنبش مشروطه خواهی در ذات خود میتوان چارچوب اعمال قدرت پادشاه را محدود و نهادینه کرد.بهمین علت مشروطه خواهی را به قانون خواهی نیز ترجمه کردهاند.۵. جنبش مشروطیت مقدمه می بود وجود آمدن دولت جدید در افغانستانمغسوب میشود که هدف اصلی ان تبدیل قدرت سیاسی خودکامه بهقدرت مفید به قانون بود.۶. ایجاد تحولات سیاسی،اقتصادی،اجتماعی و تشویق مردم به مشارکت در زندگی سیاسی و افزایش اقتدار حکومتمرکزی،ایجاد نظام یکپارچه به جای نظام پراکنده و متفرق گذشته بوده. نهادهای برآمده از جنبش مشروطیت مثل قانون اساسی،مجلس شوراملی،کابینه،دستگاه مستقل قضایی و در مجموع «تفکیک قوا»این رسالترا به عهده داشتند.

جنبش،ایهام و نوبد بخشید.در مجموع این بنیاد فرهنگی نوین(مکتب حبیبیه) زمینهایبچاه و پرورش از آذای خواهان و مشروطه طلبان گردید.و به تدریج بهعیت یکی از مراکز مهم و عمده فعالیتهای سیاسی روشنفکران،ترقیخواه،اصلاح طلب،آزادی خواه و استقلال طلب گردید.مکتب حبیبیه بهعیت یک کانون معرفت بود که از همان جا اولین صداهای مشروطهخواهان بلند گردید.۴. مشروطه خواهان بنیاد الله،جراید و اخبار مشروطه خواهان که در هند و ترکیه،مصر و ایران نشر و طبع میشد و به دربار افغانستان نیز میرسید. مشروطه خواهان گروهی از جوانان داخل دربار و غلام بچگان ناراضی کهآموزشهای علمی خود را نزد اساتید و معلمین هندی خویش کسب و تحصیل نموده بودند،شبیسته و گروهیبه نظام شاهی مشروطه شدند و عضو جنبش و تحریک مشروطیت گردیدند.۵. روی هم رفته روحیه تجسدد خواهی امیر حبیب الله خان زمینهای شد برای حرکتهای فرهنگی که روشنفکران با ایجاد جریدههای میتوانستادان را بیدار کند و حرکتهای اصلاحی شان را جهت دار سازند. جمعیتی از روشنفکران مربوط به مدرسه شاهی و دار العلوم حبیبیه به دربار امیر حبیب الله خان،پیشنهادهای نمودند که انجمنی از دانشمندان افغانی به وجود آید تا یک جریده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانستان منتشر نمایند.۶. رئیس انجمن مولوی عبد الرؤف خان قندهاری سرمدرس مدرسشاهی و مولوی محمد سرور واصف یکی از معلمان آگاه و روشنفکر مدرسه عالی حبیبیه سمت این انجمن را داشت. در واقع انتشار جریده سراج الاخبار در کابل منشور حرکت مشروطهخواهی است که جریده مذکور،علاوه بر انگیزه و هدف مشروطه خواهی، دو انگیزه دیگر را هم در برنامه خود داشت.یکی از استقلال افغانستان از بریتانیاو دوم،ایجاد تجدد و آشنا نمودن جامعه با تمدن و مدرنیزم و بیداری ملت و کمک برای آزادی آن از بند استبداد،خودکامگی،جهل و وابستگی بود. رهبران مشروطیت اول،با تشکیل جلسات و ایجاد ارتباط با محافلعلمی و دینی،و بسا دادن اطلاعات و آگاهی لازم و مفید به جوانان و مردمردمند،و گسترش فعالیتها و تبلیغ نظریهها و اهداف شان خط مشیاصلاحی سید جمال الدین را دنبال نمودند، و هر روز بر تعداد هوادارانو گسترهی نفوذشان میافزودند.۷.

گرفته و از سویدیگر جریانهای سیاسی- فکری توانمند درون ملی را که نقش مؤثری در ایجاد زمینهی تفکر جمهوری خواهی به عهده داشته است واکاوی نماید. لذا جنبش مشروطیت به عنوان مهمترین رکن سیستم جمهوری تا دورهپادشاهی امان الله خان در این نوشته به تبیین و توصیف گرفته شده است. ۲. مشروطه خواهی عمدهترین حرکت به سوی جمهوری خواهی را میتوان مشروطهخواهی و جنبش مشروطیت اول دانست،که خاصت اصلی جنبش مشروطه (۱۹۰۲ م) افغانستان،تأسیس رژیم سلطنتی محدود یا تعدیل یافته بود کهمبزرگترین دستاوردها(هر چند ناپایدار)آن نیز محسوب میشد.این خواست بهمعنای لغو حکومت زور و جایگزین کردن حکومتی بود که مشروعبینخود را از مردم میدانست.۱. به عسارت دقیقتر مشروطه خواهان خواستار حکومتی بودند که در اناعمال گسترده قدرت مطلق و خودکامه ناممکن باشد و نمایندگی انتخابیبردمسئولان اجرایی را منسوب و فعالیتهای آنها را کنترل و تعدیلکنند و نهادها مستقل باشند و در چارچوب قوانین جزائی و مدنی عمل کنند. این خواستها ناگزیر در جنبشی به نام مشروطه خواهی تبلور یافت.۲. مشروطیت و یا حکومت مشروطه مفهومی است که در برابر استبداد، دیکتاتوری و حکومتهای خودکامه قرار دارد و در واقع حکومتمشروطه به رژیم سیاسی و حکومتی اطلاق میشود که دامنهی کاربرد قدرت در آن محدود به حدود قانون باشد. منظور از قانون،مجموعهای تدوین شدن و هیبستهای از اصول احکاماست که در ضمن این که محسوده رفتار افراد و اعمال گروهها را تعییننماید،حدود و عرصه کاربرد قدرت دولت را نیز تعریف و تحدید نمودهوظایف و تکالیف متقابل افراد،گروهها و دولت را نسبت به همدیگر مشخص میکند. آغاز جنبش مشروطیت در افغانستان بعد از مرگ عبدالرحمن خان زمانیکه پسرش امیر حبیب الله در سال (۱۹۰۱ م) به سلطنت نشست ریشه دارد.و در همان سال دو پایگاه فکری مشروطه به نام مکتب حبیبیه و لیسه دار المعلمینپناه گذاری گردید.۳. قبل از مشروطیت در افغانستان کسی از مفاهیم چون شاهی مشروطه، جمهوری،دموکراسی و یا مبارزه پارلمانی و حق طلبی ملت چیزنمیدانست و جنبش مشروطیت اول بود که برای مبارزین

حاضر تنها درصدد این استکه تصویر کلی از جنبش مشروطیتبه عنوان یکی از پیش زمینههایجمهوریخواهی در افغانستان ارائهنماید ۲.مقدمه جمهوریت به سیستمی از دولت-کشور اطلاق میشود که شهروندانآن ریاست قوهی مجریه آن را از طریق انتخابات برمیگزینند.این سیستمهرچند به صورتی از گوناگون از رژیمهای سیاسی در دنیا تبارز نمودهاست ولی محور اصلی در سیستم جمهوری تجلی و اراده عام مردم بهصورت مستقیم یا غیر مستقیم در اخذ تصمیمات سیاسی،اجرای و تعیینریاست که قاعدا در حاکمتهای دموکراتیک و مردم سالار امکان آنوجود خواهد داشت. بنابراین اعمال اراده سیاسی شهروندان مؤلفهی اصلی نظام جمهوری را تشکیل میدهد که ممکن است با اشکال گوناگون ریاستی پارلمانی، پارلمانی-ریاستی و... اظهار وجود نمایند. ولی نکتهای که در این رژیم برجستگی یافته و فریبندگی خاص برایهواداران شان ایجاد مینماید خود ارادیت سیاسی شهروندان است کهاحساس میکند از طریق ابزارهای تعبیه شده در سیستم جمهوری بتواند در سرنوشت سیاسی کشورشان مؤثر بوده و زمامداران کشورش را مطابق با نیازهایشان گزینش نمایند. این معنی است که این معنی در تقابل جدی با لایبهای فراست اجتماعیبه مراتب منافع قدرت،سلطه میراند قرار خواهد گرفت.و از همین روینجمهوری خواهی در تقویم سیاسی ملتها به مثابه روندی از مبارزاتولتالی و پرهیزنه به شمار آمده که در رویارویی با رژیمهای مستبد و تابعیت خواه سیاسی قرار داشته و سالها و نسلهای فراوان و بی در پیریای به ثمر رسیدن خود ارادیت سیاسی به روند مبارزه پیوسته و هزینهبهایافت قرضای را پرداختهاند. جمهوریت که امروز در کشور افغانستان شاهد آنیم محصول مبارزاتقوی ملی بوده است که در مدتهای طولانی و نسلهای بی در پی صورت پذیرفته و امروز تا حدودی صورت عملی به خود گرفته است مردم بهصورت نسبی در ابراز اراده سیاسی آزادند،ساختارهای حاکمیت بهصورت دموکراتیک تدوین گردیده و از آزادیهای فردی و اجتماعیبهره مند میباشند. این نوشته با چنین دیدگاهی به بررسی تاریخی مؤلفههای اصلی و پیشینههای مهم جمهوری خواهی در افغانستان پرداخته است تا یک باز خوانی مجدد از آرمانهای تاریخی-ملی مردم،صورت

۱. در آمد پیشینهی افغانستان،پیشینهایبر از ظلم،ستم و استبداد شاهانهاست.حافظه تاریخی این کشور انباشته از قتل عامها و تاراج افراد فرودست جامعه است.انسانهاپازآزادیخواه فراوان در مقابل ستمسلطنتی ایستادند و جان خویش را از دست دادند.شرایط امروزه دستآورد مبارزات جدی قداکاران آزاد اندیش نسلهای پیشین است کهدرک شرایط امروز،جز با درکشریط پیشین امکان پذیر نمیشد. هرچند، باز خوانی تاریخ سیاسی و جریان شناسی جنبشهای رهاییبخش در کشور ما نیاز به تعمقذی و کاوشهای فراقبر دارد اما نوشته



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

©دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
©مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
©آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده

افغانستان
The Daily Afghanistan

افغانستان
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Print and Online Source